

بررسی اصل انگاری امامت از دیدگاه امام صادق علیه السلام

سید علیرضا رفیعی علویچه

مرکز حقایق اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده

در نوشتار پیش‌رو به مباحث ذیل پرداخته شده است:

دیدگاه امام صادق علیه السلام درباره اصل انگاری امامت بر اساس آیات قرآن کریم چیست؟ آیات در این زمینه بسیار زیاد است اما با توجه به حوصله این نوشتار به سه آیه از قرآن کریم اشاره شده است و سؤال دیگر این است که دیدگاه امام صادق علیه السلام درباره اصل انگاری امامت بر اساس روایات چیست؟

گاهی امام صادق علیه السلام استناد به سخن اجداد طاهرين عليهم السلام خود کرده‌اند و گاهی نیز خود حضرتش فرمایشی داشته‌اند در این بخش نیز به فراخور، سه روایت مشهور مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

کلید واژگان: مبانی امامت / اصل انگاری امامت / اصول دین / امام صادق علیه السلام

مقدمه

برای ورود به مباحث امامت نیاز به آشنایی با چهار مبنا است. سرفصل این مبانی چنین است: امامت از اصول دین است، وجوب نصب امام، شرایط امام، طرق تعیین امام. بنابراین شناخت نسبت به این چهار موضوع به جهت اینکه محل اختلاف اساسی بین شیعه و سنی است، ضرورت دارد.

اصل‌انگاری امامت، از مواردی است که شیعه و سنی اختلاف فراوانی با یکدیگر دارند. شیعیان امامت را از اصول دین و اعتقاد و عدم اعتقاد به آن را موجب سعادت و شقاوت می‌دانند. در مقابل، اهل سنت امامت را از فروع دین تلقی می‌کنند که در نهایت جایگاه آن در افعال مکلفین است. با توجه به این مطلب، پژوهش حاضر به بررسی یکی از مبانی امامت یعنی؛ اصل‌انگاری امامت، می‌پردازد.

هر کدام از فریقین برای معرفت به این چهار موضوع ادله و منابع خاص خود را دارند، شیعه علاوه بر داشتن منبع قرآن و عقل، مهم‌ترین منبع معرفتی یعنی روایات معصومین علیه السلام را دارا است. این منبع غنی متصل به علم بی‌کران الهی است، اما باید به خود زحمت داد و این مرواریدهای گرانها را از اعماق اقیانوس استخراج کرد. به دیگر سخن؛ باید کلام اهل بیت علیهم السلام در مورد مبانی امامت با نگاهی ژرف اندیش مورد بررسی قرار بگیرد؟ چراکه معیار معصوم در راهیابی به معرفت و حقیقت کارآمدتر است از ملاک‌هایی که غیر معصوم بیان می‌کند.

از میان معصومین، امام صادق علیه السلام به جهت فضای سیاسی حاکم و تبدیل حکومت از امویان به عباسیان، سهم به‌سزایی در هدایت و نشر معارف داشتند به همین جهت با تأمل در کلام امام صادق علیه السلام راحت‌تر می‌توان به این موضوع مهم پی برد.

ایشان بر اساس آیات و روایات رسیده از اجداد خود و همچنین با تکیه بر کلام خود، به گونه‌ای سخن گفته‌اند که اصل‌انگاری امامت آشکار است. بر همین اساس مطابق روش تحلیلی توصیفی به موشکافی کلام امام صادق علیه السلام و تطبیق آن بر اصل‌انگاری امامت پرداخته می‌شود و مسئله این است که امام صادق علیه السلام در مورد اصل‌انگاری امامت از چه آیات و روایاتی استفاده کرده‌اند و خود حضرت علیه السلام چه مطالبی را در این باره بیان فرموده‌اند؟

چهار چوب مفاهیم

الف) امام

واژه شناسی و بعد از آن، کاربرد لفظ، کمک بسیار زیادی در شناخت مفهوم و معنای واژه می‌کند و در شناخت معنای امام باید به این نکته دقت کرد به همین جهت در معنای کلمه امام بین لغت نویسان و همچنین در اصطلاح آن بین علماء، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. امام در لغت و در اصطلاح مفهوم سرپرستی و رهبری را القاء می‌کند.

امام در لغت

ریشه این واژه از «أَمَّ يَوْمٌ» به معنای پیشوا و کسی که به او اقتدا می‌شود بیان شده است. این معنا در قدیمی‌ترین و معتبرترین کتب لغت بیان شده است چنانکه در العین چنین نوشته شده است:

وکل من اقتدى به، وقدم في الأمور فهو إمام^۱

و همچنین راغب اصفهانی در المفردات معنایی شبیه به معنای العین را نوشته است:

والإمام: المؤتم به، إنسانا كأن يقتدى بقوله أو فعله، أو كتاباً، أو غير

ذلك محققاً كان أو مبطلاً، وجمعه: أئمة.^۲

بنابراین اقتدا و رهبری معنایی است که از لغویون درباره واژه امام برداشت می‌شود.

امامت در اصطلاح

تعریف امامت نزد علماء شیعه و سنی بسیار نزدیک یکدیگر هست. آنان در اصل ریاست در امور دین و دنیا با یکدیگر اتفاق دارند و در بعضی قیود با هم متفاوت هستند.

علماء شیعه همچون علامه حلی و فاضل مقداد در کتاب باب حادی حادی عشر و شرح آن امامت را

چنین تعریف کرده اند؛

۱ العین: ۸ / ۴۲۸

۲ المفردات فی غریب القرآن: ۸۷

الإمامة رئاسة عامة في أمور الدنيا و الدين لشخص من الأشخاص نيابة
عن النبي^٣

امامت به معنای ریاست عمومی در امور دین و دنیا برای شخصی از اشخاص، به نیابت
از پیامبر صلی الله علیه و آله است.

فاضل مقداد در شرح کلام علامه چنین می نویسد:

و الإمامة رئاسة عامة في أمور الدين و الدنيا لشخص انساني^٤

و امامت به معنای ریاست عمومی در امور دین و دنیا برای یک انسان است.

همانطور که ملاحظه شد اصل ریاست در امور دین و دنیا در دو تعریف ارائه شده اتحاد دارد.

نزد عالمان اهل سنت نیز این اتحاد وجود دارد؛ تفتازانی در تعریف امامت می نویسد:

و هي رئاسة عامة في أمر الدين و الدنيا خلافة عن النبي (صلى الله عليه
و سلم) و أحكامه في الفروع^٥

امامت به معنای ریاست عمومی در امر دین و دنیا و از باب جانشینی پیامبر است و
احکام آن در فروع می آید.

علاوه بر او، قاضی ایجی نیز می نویسد:

و لا بد من تعريفها أو لا قال قوم من أصحابنا الإمامة رئاسة عامة في أمور
الدين و الدنيا لشخص من الأشخاص^٦

٣ الباب الحادی عشر مع شرحه النافع يوم الحشر و مفتاح الباب: ٣٩

٤ الباب الحادی عشر مع شرحه النافع يوم الحشر و مفتاح الباب: ٤٠

٥ شرح المقاصد: ٥ / ٢٣٢

٦ شرح المواقف ٨ / ٣٤٥

در ابتدای امر ناچار از تعریف امامت هستیم. قومی گفته‌اند: امامت به معنای ریاست عمومی در دین و دنیا برای شخصی از اشخاص است.

همانطور که گزارش داده شد در این دو تعریف نیز امامت، ریاست عامه در امور دین و دنیا اتحاد

دارد.

(ب) مبانی امامت

اختلافات اساسی و بنیادین بین شیعه و سنی در مباحث امامت خلاصه در مبانی امامت می‌شود. چنان‌که هر علمی برای ورود نیازمند مقدماتی است، مباحث امامت نیز دارای مقدماتی هستند که ناگزیر امامت‌پژوه باید به آن‌ها بپردازد. از سوی دیگر این مباحث عمده اختلافات بین شیعه و سنی را بیان می‌کند به عنوان نمونه اهل سنت معتقد هستند نصب امام به دست مردم است در حالی که شیعیان آن را بید الله می‌دانند و همچنین اهل سنت جایگاه امامت را در فقه و احکام عملی یعنی حکومت می‌دانند اما شیعیان این مسئله را از اصول اعتقادی بیان می‌کنند به طوری که مخالفت با آن منجر به خروج از دین می‌شود. در ادامه به گزیده‌ای از مباحث مبانی امامت و بیان وجه اختلافات بین شیعه و سنی پرداخته می‌شود.

۱. وجوب نصب امام

یکی از اختلاف‌های اساسی بین شیعه و سنی بحث وجوب نصب امام است. شیعیان معتقد هستند این امر به دست خداوند صورت می‌گیرد و مستندات خود را دارند. در مقابل آنان اهل سنت، با توجه به ادله خود معتقد هستند امر امامت به دست مردم است. بنابراین هر کدام از دو نظریه با یکدیگر متضاد هستند.

ادله اهل سنت در سه موضوع خلاصه که به اختصار بیان می‌شوند؛ اولین دلیل آنان اجماع صحابه است یعنی چون در هنگام دفن پیامبر صلی الله علیه و آله، اصحاب به دور یکدیگر برای تعیین خلیفه جمع شدند خود این امر دلالت بر انتصاب امام از سوی مردم می‌کند.^۷ دلیل دوم؛ نصب امام از سوی مردم را مقدمه واجب می‌دانند یعنی؛ مقاصد شرع مقدس با امامت محقق می‌شود^۸ و دلیل آخر آنان عبارت است از اینکه؛ منافع زیادی

۷ شرح المقاصد: ۵ / ۲۳۶

۸ شرح المواقف: ۸ / ۳۴۶

در آن نهفته است.^۹ با چشم پوشی از اینکه تمام ادله آنان اعم از مدعی است، می توان عمده دلائل اهل سنت را خلاصه در این سه مورد کرد.

و اما ادله شیعه بر مدعی خویش به خلاف دلائل اهل سنت، بسیار مستند و محکم است چراکه منبع علوم نزد شیعیان، قرآن و سنت است و آنچه که سبب تکیه بر آن دو می شود، بی همتا بودن آن دو است. مستندات شیعه درباره نصب امام بید الله، در پنج مورد خلاصه می شود که توضیح آن ها خارج از حوصله این نوشتار است. امامت نیابت از نبوت است، سیره اوصیاء سابق بر تعیین جانشین، طریق تعیین منحصر در نص است، امامت عهد الهی است، قاعده لطف، روایت الامر الی الله یضعه حیث یشاء.^{۱۰}

۲. شرائط امام

برای امام شرائطی بیان شده است که در میان آن ها سه شرط اصلی است: علم، عدالت و شجاعت. حال سؤال این است که آیا خلفاء راشدین این شروط را دارا بوده اند یا خیر؟ با رجوع به تاریخ و منابع اهل سنت شواهد بسیار زیادی مبنی بر نبودن این شروط در خلفاء سه گانه و موجود بودن آنها در وجود امیرالمؤمنین علیه السلام، یافت می شود.

برای نمونه در تاریخ ذکر شده است که ابوبکر و عمر در جنگ احد^{۱۱} و خیبر^{۱۲} فرار کرده اند یا اینکه ابوبکر درباره جنایت خالد بن ولید نسبت به مالک بن نویره^{۱۳} سکوت کرده است و همچنین عدم علم او با سوزاندن فجائه اسلامی زیر سؤال می رود در حالی که امیرالمؤمنین علیه السلام تک به تک این شروط را در وجود خود داشته اند چنان که علماء اهل سنت به آن اذعان کرده اند. بنابراین در بحث شروط اختلاف اساسی بین شیعه و سنی وجود دارد و منشأ اختلاف در جایی است که اهل سنت در صدد جبران نقصان خلفاء خود هستند.

۹ شرح المقاصد: ۵/ ۲۳۷

۱۰ الاصول العامة لمسائل الامامة: ۴۷

۱۱ المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۲۰

۱۲ المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۴۰

۱۳ کنز العمال: ۵/ ۶۱۹

۳. طرق تعیین امام

شیعیان معتقد هستند که امام از جانب خداوند معین می‌شود و ادله آنان بالا جمال گذشت اما اهل سنت عرصه را بر خود سخت کرده‌اند و امر مهم امامت را به دست مردم می‌دانند. بدین سان برای تعیین امام چهار طریق مشخص کرده‌اند.

اولین آن‌ها بیعت یا اختیار اهل حل و عقد است^{۱۴} و دومین آن‌ها شوری و سومین آن‌ها وصیت خلیفه قبل و آخرین روش تعیین امام؛ نص^{۱۵} است.

۴. اصل انکاری امام

آیا امامت از اصول دین محسوب می‌شود یا از فروع دین؟ یا به تعبیر دیگر اگر دو موضوع اعتقادی و فقهی داشته باشیم، آیا امامت جزو اعتقادات است یا در دسته فقه و احکام؟ طبیعتاً اگر در مجموعه اعتقادات بگنجد، اعتقاد و عدم اعتقاد به آن سبب سعادت و شقاوت خواهد بود ولی اگر در دسته احکام قرار بگیرد التزام و عدم التزام به آن اثری در سعادت و شقاوت نخواهد داشت. اکثر اهل سنت معتقد هستند؛ امامت جزو فروع دین است و البته عده‌ای از آنان نیز معتقد هستند که امامت از اصول دین است همانند قاضی بیضاوی که چنین می‌نویسد:

وادعت الشيعة أن النص دل على إمامة علي رضي الله عنه، ولم يتواتر كما
لم تتواتر الإقامة والتسمية ومعجزات الرسول عليه الصلاة والسلام و
قلنا الأولان من الفروع ولا كفر ولا بدعة في مخالفتها، بخلاف الإمامة^{۱۶}

شیعیان ادعا کرده‌اند؛ نصی که دلالت بر امامت علی رضی الله عنه داشته باشد، وجود دارد و این نص متواتر نیست همانطور که اقامه و بسم الله گفتن و معجزات پیامبر علیه الصلاة والسلام متواتر نیست. و در مقام پاسخ می‌گوییم؛ اقامه و تسمیه از فروع هستند و اگر کسی با آن‌ها مخالفت کند کفر و بدعت شمرده نمی‌شود بخلاف امامت.

۱۴ شرح المقاصد: ۵/ ۲۵

۱۵ شرح المقاصد: ۵/ ۲۶۳

۱۶ الاصول العامة لمسائل الامامة: ۹۳ و رک: المنهاج بشرح البدخشی: ۲/ ۳۱۳

شیعیان مطابق آیات و روایات معتقد هستند که امر امامت از اصول دین است. ادله آنان از قرآن مطابق سوره مائده آیه ۶۷ است با این بیان که اگر پیامبر صلی الله علیه و آله، امامت و ولایت امیرمؤمنان علیه السلام را ابلاغ نمی کردند، تمام زحمات بیست و سه ساله ایشان پوچ می شد بنابراین رسالت که خود امری مهم است وابسته به امامت و ولایت است. همچنین در احادیث نیز دلیل «من مات و لم یعرف امام زمانه» را مطرح می کنند که مطابق این روایت و روایات دیگر، اگر امام زمان شناخته نشود سبب شقاوت و مرگ جاهلی است بنابراین امامت تاثیر مستقیم در سعادت و شقاوت دارد.

ج) اصول دین

تقسیم اصول، به اصول دین و اصول مذهب تقسیمی فقهی است. بسیاری از علما همچون میرزای قمی برای اینکه احکام فقهی بر مکلفین بار شود نوعی تقسیم را بیان کرده اند که مطابق آن اصول را به دین و مذهب تقسیم کرده اند به تعبیر دیگر اگر شخصی معتقد به توحید و نبوت و معاد باشد داخل در دین است و به او مسلمان اطلاق می شود و اگر شخصی معتقد به امامت و عدل باشد شیعه شمرده می شود و احکام مختص به شیعیان بر او بار می شود بنابراین اگر کسی سه اصل اولی یعنی توحید و نبوت و معاد را منکر شد از دایره اسلام خارج است و اگر کسی امامت و عدل را زیر سؤال برد از دایره اسلام خارج نمی شود

تقسیم اصول به دین و مذهب برای اجرای احکام فقهی است اما به باور شیعه پنج اصل توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت از باورهای اعتقادی و اصلی در مذهب به شمار می آیند. علمایی همچون شیخ مفید و شیخ صدوق امامت را از ضروریات دین شمرده اند به گونه ای که عدم آن اعتقاد به آن را سبب خروج از دین دانسته اند. شیخ مفید می فرماید:

و إن من دفع ذلك فقد دفع فرضا من الدین^{۱۷}

به تحقیق هرکس خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام را رد کند، واجب و ضروری از دین را دفع کرده است.

و همچنین شیخ صدوق چنین می نویسد:

۱۷ أوائل المقالات فی المذاهب و المختارات: ۴۰

و يعتقد أن (المنكر للإمامة) كالمنكر للنبوة، و المنكر للنبوة
كالمنكر للتوحيد^{١٨}

و لازم است که معتقد به این باشد که منکر امامت مانند منکر نبوت است و منکر
نبوت همانند منکر توحید است.

مبانی امامت از دیدگاه امام صادق علیه السلام

الف) آیات

اشتباه بزرگ بشر در این است که قصد دارد با عقل ناقص خود همه موضوعات را درک کند غافل از
آنکه عقل او توانایی کمک رسانی کامل در درک حقائق و معارف را ندارد و چه بسا آن قدر باید آزمون و خطا
کند تا به نتیجه نسبتاً درست برسد در حالی که دو گنج گران ارج پیامبر صلی الله علیه و آله را رها کرده است
و گاهی سرستیز با آن دو دارد. اما با ضمیمه کردن کلام امام صادق علیه السلام به آیات قرآن، حقیقت و
معرفتی نایاب یعنی اصل انگاری امامت استخراج می شود کلام امام صادق علیه السلام در این رابطه به گونه ای
است که هر عقلی را به حیرت و ا می دارد.

۱. توبه آیه ۳۶

دین از اموری است که در سعادت و شقاوت انسان تاثیر مستقیم دارد لذا امام صادق دین قیم در آیه
را با نام های اهل بیت تفسیر می کنند. به عبارت دیگر دین زمانی تاثیر در سعادت و شقاوت دارد که دنیا و
آخرت را برای بندگان تضمین کند و این تضمین با اهل بیت ثابت می شود و از سوی دیگر امام صادق علیه
السلام عدم معرفت به امام را موجب مرگ جاهلی بیان می کنند. بنابراین اعتقاد به امامت مقدمه ای برای
رسیدن به سعادت اخروی و دنیوی است.

داود الرقي قال أبو عبد الله عليه السلام يا سامة بن مهران ائتني تلك
الصحيفة فأتاه بصحيفة بيضاء فدفعها إلي فقال اقرأ هذه فقرأتها فإذا فيها
سطران السطر الأول لا إله إلا الله محمد رسول الله و السطر الثاني إن عدة
الشهور عند الله اثنا عشر شهرا في كتاب الله يوم خلق السماوات و الأرض

١٨ الهداية في الأصول و الفروع، النص: ٢٧

منها أربعة حرم ذلك الدين القيم علي بن أبي طالب و الحسن بن علي و الحسين بن علي إلى قوله و الخلف الصالح منهم الحجة لله ثم قال لي يا داود أتدري أين كان و متى كان مكتوبا قلت يا ابن رسول الله أعلم و رسوله و أنتم قال قبل أن يخلق آدم بألفي عام إن الله تعالى قد ذكر فيها أنها الدين القيم و التدين بها واجب و التحويل عنها كفر و لا خلاف أن معرفة الشهور و السنين ليست بواجبة غير شهر رمضان و ذي الحجة لمن وجب عليه الحج و أن من مات و لم يعرف الشهور و الأعوام ليس يلحقه ذم و من مات و لم يعرف الأئمة مات ميتة جاهلية.^{۱۹}

امام صادق علیه السلام فرمودند یا سماعه آن کتاب سفید را به من بده امام فرمودند کتاب را بخوان سماعه می گوید کتاب را خواندم در آن دو سطر بود سطر اول لا اله الا الله ، محمد رسول الله صلی الله علیه و آله نوشته شده بود و سطر دوم نوشته شده بود تعداد ماهها نزد خداوند دوازده عدد است در کتاب خدا در روزی که آسمان ها و زمین را خلق کرد که چهار عدد از آنها حرام هستند این دین استوار و ثابت است. علی بن ابی طالب الحسن بن علی و الحسین بن علی حضرت تا مهدی علیه السلام را نام بردند سپس حضرت فرمودند یا داوود می دانی این کتاب در کجا و چه وقت نوشته شده است؟ گفتم یا بن رسول الله صلی الله علیه و آله خدا و رسول او و شما دانایان هستید فرمود دوهزار سال قبل از خلقت آدم خداوند این دین را قیم و استوار و اعتقاد به آن را واجب و بازگشت از آن را کفر خواند و روشن است که معرفت به ماهها و سالها واجب نیست مگر ماه رمضان و ذی الحجه برای کسی که بر او حج واجب است و هر آنکس که بمیرد و ماهها و سالها را نداند ذم و بدی به او ملحق می شود و اگر ائمه علیهم السلام را نشناسد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

۱۹ مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ۱/ ۳۰۷

۲. الشرح آیه ۷

اصل بودن امامت در کلام امام صادق علیه السلام با سه نکته ترسیم می شود. ابتدا امر رسالت با ولایت و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام کامل می شود. دوم، دستور ابلاغ امامت امیرالمؤمنین علیه السلام از جانب خداوند بوده است و در آخر امیرالمؤمنین علیه السلام واسطه توجه به خداوند است حتی برای پیامبر صلی الله علیه و آله. بنابراین وقتی امامت امیرالمؤمنین علیه السلام از جانب خدا است و همچنین خداوند ایشان را وسیله ای برای دستیابی به خود و کمالات معرفی کرده است، چیزی جز اصل بودن امامت فهمیده نمی شود.

محمد بن العباس، قال: حدثنا محمد بن همام، عن عبد الله بن جعفر، عن الحسن بن موسى، عن علي بن حسان، عن عبد الرحمن، عن أبي عبد الله جعفر بن محمد (عليه السلام): قال: «قال [الله] سبحانه و تعالى:

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ بَعْلِي وَ وَضَعْنَا عَنْكَ وِزْرَكَ * الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ
... فَإِذَا فَرَغْتَ مِنْ نُبُوتِكَ فَانْصَبْ عَلَيَا [وصيا] وَ إِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ فِي
ذلك» ۲۰.

بدین جهت راهیابی و سعادت جز با تمسک به اهل بیت علیهم السلام و قرآن میسر نیست. سرای نجات بشریت از دامان دهشتناک دنیا و بلایای آن، خیمه ایست که در آن نام اهل بیت علیهم السلام زنده است. با تمسک به جبل متین الهی است که از چنگال های بی رحمانه شیطان رهایی پیدا میکنیم و یا به تعبیر ظریف تر با امامت است که سعادت دنیا و آخرت را در مشت خود خواهیم داشت.

ب) روایات

شیعه درباره قرآن و امامان علیهم السلام سه دیدگاه بنیادی و بی نظیر دارد؛ آنان، این دو سرچشمه زندگی را مستقل بالارکان، مستغنی بالتعالیم و مستکفی بالذات می دانند. با همین دیدگاه سخن امام صادق علیه السلام مورد اعتناء است و باید گفت علاوه بر قرآن؛ از کلام امام صادق علیه السلام اصل بودن امامت به دست می آید البته که گاهی محور بحث، سخن امام صادق علیه السلام و گاهی نیز امام صادق علیه السلام

۲۰ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص: ۶۸۸

سخنان اجداد طاهرين خود را در اين باره به كار مي برند. از همين روي احاديث من مات و ثقلين ، سفينه و نجوم مورد بررسي قرار مي گيرد.

۱. حديث من مات

مسلم است، آنچه موجب شقاوت ابدی می شود، مسأله کفر است. چرا که در آیات قرآن برای کافران سرنوشت هولناکی، رقم خورده است. به عنوان نمونه قرآن می فرماید:

وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ^{۲۱}

و کسانی که ستم کرده اند اگر تمام آن چه را که در زمین است و مانند آن را با آن مالک باشند، در روز قیامت برای نجات از عذاب سخت الهی همه ی آن را فدیة خواهند داد (ولی چه سود؛ در آن روز) برای آن ستمگران از سوی خداوند چیزهایی روشن و ظاهر می شود که هرگز در محاسباتشان پیش بینی نمی کردند.

آیات این چنینی در قرآن به وفور یافت می شود از همين روي؛ با تکیه بر قرآن کریم، امام صادق علیه السلام نیز همان سرنوشتی را که قرآن برای کافران بیان می کند برای کسانی که معرفت به امام ندارند بیان می کنند بلکه امام صادق علیه السلام جاهلیتی را که پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیث من مات بیان کرده اند، تفسیر به کفر و نفاق و گمراهی می کنند و مطابق آیات قرآن سرنوشت این سه گروه شقاوت است. بنابراین معرفت به امامت از چنین سرنوشتی جلوگیری می کند و به تعبیر دیگر از اصول اعتقادی شمرده می شود.

أحمد بن إدريس عن محمد بن عبد الجبار عن صفوان عن الفضيل عن
الحارث بن المغيرة قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام قال رسول الله صلى
الله عليه و آله: من مات لا يعرف إمامه مات ميتة جاهلية قال نعم قلت

جاهلیة جهلاء أو جاهلیة لا یعرف إمامه قال جاهلیة کفر و نفاق و

ضلال. ۲۲

حارث بن مغیره گوید: به امام صادق گفتم رسول خدا صلی الله علیه وآله فرموده: هر که امام خود را نشناخته بمیرد به مردن جاهلیت مرده؟ فرمود: آری، گفتم: جاهلیت محض و لادینی یا جاهلیت نسبت به شناختن امام خود؟ فرمود: جاهلیت کفر و نفاق و گمراهی.

۲. حدیث ثقلین

هر چیزی در این عالم اثر خود را دارد، مطابق کلام امام صادق علیه السلام بازتاب ولایت ارتباطی مستقیم با ارکان اسلام دارد. امام صادق علیه السلام ولایت را مؤثر در قرآن و نزول آن و همچنین ملاک تعیین کننده ایمان می دانند و یاد آور می شوند؛ التزام عملی به ولایت، دستوری از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله است و عمل به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله واجب است بنابراین از آنجایی که ایمان روشن کننده عاقبت افراد است، ولایت اهل بیت علیهم السلام مقدمه ای برای عاقبت بخیری و سعادت است که به تعبیر دیگر، اصل اساسی شمرده می شود.

تفسیر العیاشی عن مسعدة بن صدقة قال قال أبو عبد الله عليه السلام إن الله جعل ولایتنا أهل البيت قطب القرآن و قطب جميع الكتب علیها یتدیر محکم القرآن و بها یوهب الكتب و یتبین الإیمان و قد أمر رسول الله صلی الله علیه و آله أن یقتدی بالقرآن و آل محمد و ذلك حیث قال فی آخر خطبة خطبها إني تارك فيكم الثقلین الثقل الأكبر و الثقل الأصغر فأما الأكبر فكتاب ربی و أما الأصغر فعترتی أهل بیتي فاحفظوني فیها فلن تضلوا ما تمسکتم بهما

امام صادق علیه السلام فرمودند:

همانا خداوند ولایت ما اهل بیت را مرکز قرآن و جمیع کتب قرار داده است محکمات قرآن بر اساس ولایت ما اهل بیت علیهم السلام جاری می شود و به واسطه آن کتب نازل می شوند و به واسطه آن ایمان روشن می شود و به تحقیق رسول خدا دستور به التزام به قرآن و آل محمد داده است زمانی که در آخرین خطبه ای که خواند فرمود: من در میان شما دو ثقل اکبر و ثقل اصغر به جا می گذارم پس ثقل اکبر قرآن است و ثقل اصغر اهل بیت علیهم السلام است در حفظ این دو کوشا باشید چراکه تا زمانی که به آن دو ملتزم باشید گمراه نخواهید شد.

۳. حدیث سفینه

این کلام را امام صادق علیه السلام به نقل از امیر المؤمنین علیه السلام بیان می کنند که در آن با دقت به سه مقدمه کاملاً واضح، اصل انگاری امامت روشن می شود. مقدمه اول، امام صادق علیه السلام به نقل از جد بزرگوار خود مصداق ولی را برای سائل بیان می کنند و آن کسی جز اهل بیت علیهم السلام نیست. اما مقدمه دوم، التزام به ولایت این افراد است کسی که ولایت و امامت ایشان را بپذیرد بهشت نصیب او می شود و مقدمه آخر نیز پیامد انحراف از این ولایت است که شکایت پیامبر صلی الله علیه و آله درباره منکر ایشان در درگاه الهی است و در نهایت تمام مفهوم این سه مقدمه خلاصه در کلام انتهائی امام صادق علیه السلام می شود که همان حدیث سفینه است یعنی اگر ملتزم به ولایت اهل بیت علیهم السلام شود همان کسی است که سوار بر کشتی نوح شده و نجات پیدا کرده است و اگر مخالفت کند هلاک می شود حال باید پرسید امری به این مهمی مگر می شود اصل نباشد؟

و روی علی بن موسی بن طاوس فی کتاب کشف المحجّة لثمره المهجّة
قال: إن محمد بن یعقوب الكليني روی فی کتاب الرسائل المعتمد علیه عن
أمير المؤمنين عليه السلام رسالة تتضمن ذكر الأئمة عليهم السلام من
ذريته، فقال محمد بن يعقوب ما هذا لفظه: على بن محمد و محمد بن الحسن
و غيرهما عن سهل بن زياد عن العباس بن عمران عن محمد بن القاسم بن
الوليد الصيرفي و لقبه شبابة عن المفضل بن سنان بن طريف عن أبي عبد الله
عليه السلام قال: كان أمير المؤمنين عليه السلام يكتب بهذه الخطبة إلى
أكابر أصحابه و فيها كلام رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم و ذكر

الخطبة إلى أن قال: من الولي يا رسول الله؟ قال: وليكم في هذا الزمان أنا؛ و من بعدي وصيي و من بعد وصيي لكل زمان حجج الله، ثم ذكر كلاما طويلا في الأوصياء من آدم إلى أن قال: فلم يزل الأنبياء و الأوصياء يتوارثون ذلك حتى انتهى الأمر إلى، و أنا أدفع ذلك إلى علي وصيي و هو مني بمنزلة هارون من موسى، و إن عليا يورث ولده حيهم عن ميتهم، فمن سره أن يدخل جنة ربه فليتول عليا و الأوصياء من بعده، و ليسلم لفضلهم، فإنهم الهداة بعدي، أعطاهم الله فهمي و علمي، فهم عترتي من لحمي و دمي، أشكو إلى الله عدوهم و المنكر لهم فضلهم، القاطع عنهم صلتي، فمثل أهل بيتي في هذه الأمة كمثل سفينة نوح، من ركبها نجا و من تخلف عنها هلك، و مثل باب حطة في بني إسرائيل من دخله غفر له [الحديث] و في آخره ذكر المهدي عليه السلام.^{٢٣}

مفضل بن سنان بن طريف از امام صادق عليه السلام نقل می کند که امیرالمؤمنین علیه السلام خطبه ای که در آن کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله بود برای اصحاب خود می نوشتند تا اینجا که شخصی از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید یا رسول الله ولی بعد از شما چه کسی است؟ پیامبر فرمود: ولی و سرپرست شما در زمان شما من هستم و بعد از من وصی من و بعد از وصی ام برای هر زمانی حجت های الهی هستند سپس سخنانی طولانی در اوصیا از آدم فرمود تا اینکه فرمود امر جانشینی را انبیا و اوصیا از یکدیگر به ارث می بردند دائما و من آن را به علی وصی خودم انتقال دادم و او نزد من همانند جایگاه هارون است نسبت به موسی و فرزندها از فرزندان علی از فوت شدگان ایشان ارث می برند پس هر آن کس که قصد دخول به بهشت را دارد، ولایت علی و اوصیا بعد او را ملتزم شود و تسلیم فضائل آنان شود پس آنان چراغ های هدایت بعد از من هستند خداوند به آنان فهم و علم من را داده است پس آنان عترت من از گوشت و خون من هستند شکایت می کنم نزد خداوند نسبت به دشمنان و منکر فضائل ایشان و کسانی که ارتباط من را با ایشان قطع کند پس مثل اهل بیتم علیهم السلام در این امت مانند مثل کشتی نوح است

٢٣ إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات: ٢/ ٢٢٤

هر آن کس سوار بر این کشتی شود نجات پیدا می‌کند و هر کس تخلف کند از آن هلاک می‌شود و مثل آنان نیز همانند باب حطه در بنی اسرائیل است که هرکس داخل آن شود بخشیده می‌شود. در آخر نیز یاد از مهدی علیه السلام کرد.

نتیجه

امام صادق علیه السلام رئیس مکتب تشیع چنان با کلام رسای خود جایگاه امامت را بیان کردند که جای هیچ شک و شبهه ای باقی نمی‌ماند. امامت مطابق گفتار ایشان از طریق آیات و روایات، اصلی از اصول دین است و مخالفت با آن شقاوت را به دنبال دارد. البته جای دارد محققین محترم باقی مبانی امامت را از کلام اهل بیت علیهم السلام استخراج کنند و قدمی در استقرار سازی این بخش از علوم امامتی بردارند.

فهرست مصادر

١. العين: أبو عبد الرحمن الخليل بن أحمد بن عمرو بن تميم الفراهيدي البصري/ محقق: د مهدي المخزومي، د إبراهيم السامرائي/ ناشر: دار ومكتبة الهلال
٢. المفردات في غريب القرآن: أبو القاسم الحسين بن محمد المعروف بالراغب الأصفهاني/ تحقيق: صفوان عدنان الداودي/ ناشر: دار القلم، الدار الشامية/ دمشق، بيروت/ ١٤١٢ ق
٣. الباب الحادي عشر مع شرحه النافع يوم الحشر و مفتاح الباب: علامه حلي - فاضل مقداد - ابو الفتح بن مخدوم حسيني/ ناشر: مؤسسه مطالعات اسلامي/ تهران/ ١٣٦٥
٤. شرح المقاصد: سعد الدين تفتازاني/ ناشر: الشريف الرضي/ ١٤٠٩ ق
٥. شرح المواقف: ايجي - مير سيد شريف/ ناشر: الشريف الرضي/ قم/ ١٣٢٥ ق
٦. الاصول العامه لمسائل الامامه: سيد علي حسيني ميلاني/ ناشر: حقائق/ قم/ ١٤٣٥ ق
٧. المستدرک على الصحيحين: أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني النيسابوري المعروف بابن البيع/ تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا/ ناشر: دار الكتب العلمية/ بيروت ١٤١١ ق
٨. كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال: علاء الدين علي بن حسام الدين ابن قاضي خان القادري الشاذلي الهندي البرهانفوري ثم المدني فالملكي الشهير بالمتقي الهندي/ تحقيق: بكرى حياني - صفوة السقا/ ناشر: مؤسسة الرسالة/ ١٤٠١ ق
٩. أوائل المقالات في المذاهب و المختارات: شيخ مفيد/ ناشر: المؤتمر العالمي للشيخ المفيد/ قم/ ١٤١٣ ق
١٠. الهداية في الأصول و الفروع: شيخ صدوق/ ناشر: مؤسسه امام هادي (ع)/ ١٤١٨ ق
١١. البرهان في تفسير القرآن: بحراني، هاشم بن سليمان/ تحقيق: قسم الدراسات الاسلاميه مؤسسة البعثة - قم/ ناشر: بنياد بعثت/ تهران/ ١٤١٦ ق
١٢. مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ابن شهر آشوب مازندراني، محمد بن علي/ ناشر: علامه/ قم/ ١٣٧٩ ق
١٣. الكافي: شيخ كليني/ ناشر: انتشارات اسلاميه/ تهران/ ١٣٦٢ ش

١٤. إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات: شيخ حر عاملي / ناشر: مؤسسة الأعلمي / بيروت /
١٤٢٢ق